

لغت های درس ۳ فارسی

هم معنی	
گردش علمی: گردش دسته جمعی د.آ	دامنه ی کوه: بخش شیب دار پایین کوه
هم فکری: با هم درباره موضوعی فکر کردن	گزارش: شرح و بیان کارهای انجام شده
باعث: دلیل - علامت	گویا: رسا - روشن و آشکار
دل پذیر: پسندیده - دل خواه	لذت: حالت خوشایند و خوب
نشاط: شادابی - شادی	چشمه: جایی که آب از زیر زمین بیرون بیاید
جوی: گذرگاه باریکی که آب از آن می گذرد	ایزد: خداوند
عبور کردن: گذشتن - گذر کردن	طبیعت: بخشی از هستی
اهمیت: باارزش و مهم بودن	محیط: مکان اطراف هر شخص یا هر چیز
آشغال: زباله	آلودگی: کثیفی
طبیعت: بخشی از جهان هستی	قله: نوک کوه یا تپه
روان: رونده - جاری	نگریست: نگاه کرد
غرق شدن: فرورفتن و خفه شدن در آب، غوطه ور شدن در آب یا هر چیز دیگر	
پونه ی وحشی: نوعی گیاه، سبزی خوشبو مانند نعنا	
نماینده: کسی که از طرف شخصی یا گروهی کاری انجام می دهد.	
متضاد	
آلوده: پاک	گذشته: آینده
اول: آخر	بهتر: بدتر
جلو: عقب	گروهی: فردی
تمیز: کثیف	بیماری: سلامتی
کوتاه: بلند	وحشی: اهلی

شادی: غم - ناراحتی	خوش حال: ناراحت - غمگین
هم خانواده	
آموزگار: آموزش: آموزشگاه	نظم: ناظم: منظم: تنظیم: نظام
عبور: معبر: عابر	علمی: علم: عالم: معلم: تعلیم: علوم
عزیز: عزت	تعجب: عجب: عجیب: عجایب: متعجب
دوست: دوستی: دوستانه	پاکیزه: پاکان: پاک
آفریده: آفرینش: آفرید: آفریدگار	تقسیم: مقسوم: قاسم: قسمت
طبیعت: طبع: طبیعی	تشکر: شکر: متشکر: شاکر
بخشش: بخشیدن: بخشنده: بخشایش	دانش آموز: دانشمند: دانشگاه: دانشجو